

۱. گذار از انحصار در مساجد اربعه:

در ادوار پیشین، قولِ قوی بر این بود که اعتکاف منحصرأ در مساجد اربعه (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) صحیح است. اما به مرور و در تطور فقهی، این انحصار شکسته شده است. امروزه فتوای مشهور ومبتنی بر روایات معتبر، اعتکاف در «مسجد جامع» را نیز صحیح می‌دانند.

باید توجه داشت که اگر بخواهیم نگاهی تبلیغی و دعوت عمومی برای حضور توده‌های مردم و جوانان داشته باشیم، حصر در مساجد اربعه عملاً جوابگو نیست؛ زیرا ظرفیت این مساجد محدود است و دسترسی همگان به آن‌ها میسر نیست. بنابراین، قفه با خروج از این حصر، راه را برای حضور میلیونی معتکفین باز کرده است.

۲. چالش «مساجد صنفی» و خدشه در شرط جامعیت

نکته‌ای که بنده بر آن تأکید دارم و از مباحث جدی کتاب است، تعریف دقیق «مسجد جامع» است. مقصود از جامع، مسجدی است که انحصار به گروه، صنف یا محله خاصی نداشته باشد.

● **نقد اعتکاف در مساجد دانشگاهی:** امروزه شاهد برگزاری اعتکاف در مساجد دانشگاه‌ها هستیم. در حالی که این مکان‌ها ماهیتاً «صنفی» و مختص دانشجویان هستند. وقتی یک فرد عادی از بیرون نتواند به راحتی وارد شود یا به دلیل قوانین حراستی و محدوده دانشگاه با مانع روبرو شود، اطلاق «مسجد جامع» بر آن جای تأمل جدی دارد.

● **اشکال فقهی:** اگر در مسجدی به روی عموم مردم بسته باشد، صحت اعتکاف در آن «جای حرف» دارد. این از آن دست مسائلی است که در تطورات معاصر باید به دقت واکاوی شود تا عبادات جوانان دچار شبهه نشود. البته استفتاء از مراجع معظم رهگشا است، اگر فقهیی مطلق مسجد را برای اعتکاف کافی بداند راه برای مقلدان ورجوع کنندگان به ایشان باز خواهد بود، واین هم در راستای همان تطور فقهی می‌گنجد.

۳. اولویت‌بندی در صحت و فضیلت

ما در این پژوهش میان «اصل صحت» و «مراتب فضیلت» تفکیک قائل شده‌ایم. هرچند اعتکاف در مسجد جامع صحیح است، اما همچنان فضیلت و ثواب پتر متعلق به مساجد اربعه و سپس مساجدی است که سابقه حضور و امامت معصومین علیهم‌السلام در جمعه وجماعت را در پیشینه خود دارند.

خلاصه سخن اینکه تطور آراء به ما می‌آموزد که فقه امامیه، هم‌زمان با حفظ اصالت‌های روایی، به دنبال گره‌گشایی برای اجرای شاعران در سطح کلان است؛ مشروط بر اینکه معیارهای فقهی نظیر «عمومی بودن مکان» فدای ساختارهای محدود صنفی و اداری نشود.

■ **به نظر شما، «اعتکاف» در دنیای پرسرعت و پیچیده امروز، چه پیام و ضرورتی برای انسان معاصر، به‌ویژه نسل جوان دارد؟**

● در جهان امروز که سیطره زندگی ماشینی، انسان را نه تنها از خدا، بلکه از «خود واقعی‌اش» نیز بیگانه کرده است، اعتکاف یک ضرورت حیاتی است. انسان معاصر برای بازگشت به فطرت توحیدی خویش، نیازمند «تغذیه روحی» و بازنگری در خویشتن است؛ و اعتکاف دقیقاً همین بستر را فراهم می‌کند.

۱. اعتکاف: تصفیه روح و جسم

همان‌طور که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند «صُومُوا تَصْفَحُوا»، روزه دو کارکرد بزرگ دارد: پالایش جسمی و تصفیه روحی. اعتکاف نیز همین‌گونه است. برخی به بهانه‌های مختلف از روزه فرار می‌کنند، اما تجربه نشان داده کسانی که اهل صیام و اعتکاف‌اند، از سلامت جسمی و آرامش روانی بالایی برخوردارند. اعتکاف فرصتی برای «تأمین توشهٔ باطنی» در دنیایی است که مدام انرژی روحی ما را تخلیه می‌کند. جالب اینجاست که حتی در کشورهای سکولاری مثل آلمان، بخشی از مالیات را صرف کلیسا وتبلیغات مسیحیت می‌کنند تا آرامش روانی جامعه تأمین شود؛ زیرا دریافته‌اند که نبود آرامش روحی، هزینه‌های مادی سنگینی به دولت‌ها تحمیل می‌کند.

۲. ضرورت بازگشت به «اعتکاف نبوی»

من بر این باورم که ما باید به الگوی «اعتکاف نبوی» بازگردیم. اعتکاف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دور از «های و هو» و جنجال‌های تبلیغاتی بود. اعتکاف یعنی خلوت با حق. در روایت است که وقتی پیامبر دیدند شخصی در مسجد، در کنار خیمه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، کمی با صدای بلند قرآن می‌خواند و مزاحم دیگران است، معترض شدند و فرمودند همه در حال مناجات با پروردگارشان هستند؛ یعنی نباید خلوت دیگری را بر هم زد.

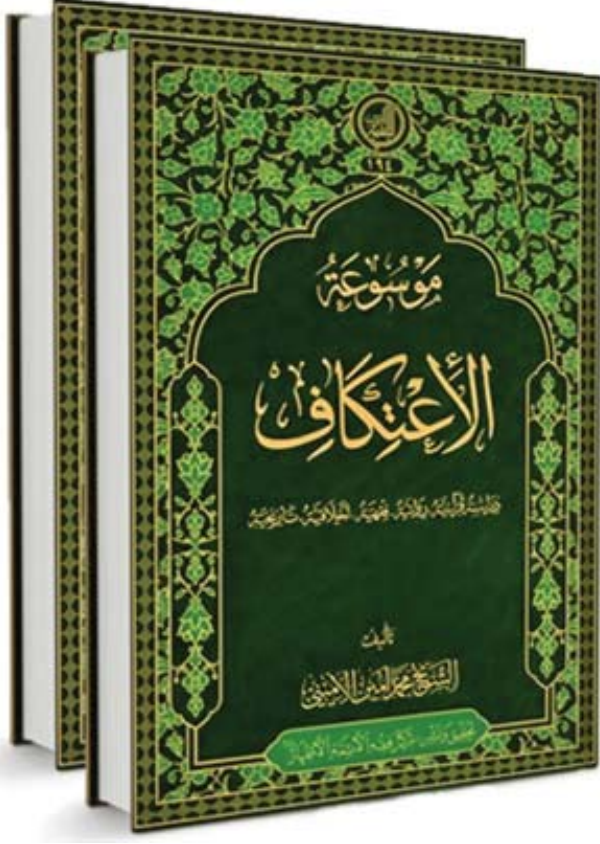
متأسفانه امروزه ما در اعتکاف‌ها بلندگو می‌آوریم، فیلم پخش می‌کنیم و برنامه‌های شلوغ می‌چینیم. اعتکاف، «جشن» یا «اردوی تفریحی» نیست. اگر نوجوان دبیرستانی درک درستی از این خلوت داشته باشد، حضورش بسیار سازنده است، اما اصرار بر آوردن کودکان خردسال و ایجاد «گفت‌و مان شاد» در فضایی که ذاتاً جای خلوت و سکوت است، شاید با حقیقت اعتکاف سازگار نباشد.

۳. سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیاز به استغفار

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با تمام مشغله‌های حکومتی، هدایت جنگ‌ها و اداره امور مردم، هرگز اعتکاف ده روزه ماه رمضان را ترک نکردند. ایشان که متصل به وحی بودند، می‌فرمودند: «إِنَّهُ لَيُغَاثُ عَلَى قَلْبِي وَ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً» (بر قلبم غباری می‌نشیند و من روزی هفتاد بار استغفار می‌کنم). وقتی وجود مقدسی چون ایشان برای زدودن غبار امور دنیوی از قلبش، به خلوت و استغفار نیاز دارد، تکلیف ما روشن است.

۴. اعتکاف: عبادتی در کتم غیب

ویژگی متمایز روزه و اعتکاف، جنبه «تکتم» و پنهان بودن آن‌هاست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید خداوند فرمود: «الصُّمُّ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ». روزه چون از سنخ «انجام ندادن» (ترک مفطرات) است، ریا در آن کمتر راه دارد. اعتکاف نیز همین‌گونه است؛ فرو رفتن در خود برای یافتن خدا. این خلوص، همان چیزی است که بشر خسته از هیاهوی مدرنیته، به شدت به آن محتاج است.



موسوعة الاعتكاف

ترازنامه ده سال پژوهش

در ساحتِ فقه مقارن و سنت نبوی

گفت‌وگوی تفصیلی با استاد محمدامین پورامینی پیرامون ابعاد فقهی و آسیب‌شناختی اعتکاف

می‌کنیم، با اقبانوسی مواجه می‌شویم که نظیر ندارد:

● ایشان از یک سو فقه خالص و موجز شیعی را در کتابی مثل «ارشاد الأذهان» و «تبصرة المتعلمین» می‌نویسد.
● از سوی دیگر، به فقه مقارن و تطبیقی میان مذاهب در «تذکرة الفقهاء» می‌پردازد.

● و باز در اثری مستقل به نام «مختلف الشیعة»، موارد اختلافی میان خود فقه‌ای شیعه را به بحث می‌گذارد.

بنده حقیقتاً مبهور همت این مرد بزرگ شده‌ام. در تاریخ فقاहत، تعداد کسانی که یک دور کامل فقه استدلالی (از طهارت تا دیات) را به رشته تحریر درآورده باشند، اندک است؛ اما علامه حلی چندین دوره فقه کامل با رویکردهای مختلف نگاشته است.

مطالعه عمیق این آثار، «سبک‌شناسی» و «روش‌شناسی» فقهی این بزرگواران را به انسان می‌آموزد؛ این‌ها حقایق و ظرافتی است که معمولأ در درس‌های خارج متداول و عادی به دست نمی‌آید، به ویژه با توجه به وضعیت برخی درس‌های خارج امروزی که متأسفانه از آن غنا و عمق اصیل فاصله گرفته‌اند.

■ **در بررسی آراء فقه‌ای متأخر، تا چه دوره‌ای پیش رفتید و آیا نظرات علمای معاصر را هم در این اثر گنجانده‌اید؟**

● در بررسی آراء معاصرین، بنا را بر این گذاشتیم که تا طبقه اساتیدی همچون آیت‌الله خویی، آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله فاضل لنکرانی پیش برویم. در گفتگو با مدیریت مرکز، به این نتیجه رسیدیم که به جهت پرهیز از برخی حساسیت‌ها، متعرض آراء فقه‌ای بزرگوار در قید حیات نشویم؛ لذا آثاری مثل «فقه الصادق» مرحوم آیت‌الله روحانی را به دلیل آنکه در زمان تألیف در قید حیات بودند، نیاوردیم. گستره مذاهب (هشت مذهب فقهی):

من در این اثر، اعتکاف را از منظر هشت مذهب فقهی بررسی کرده‌ام:
۱. فقه امامیه (شیعه اثناعشری): که محور اصلی است و در دو سطح «فتاوا» و «بیحوت استدلالیه» تدوین شده است.

۲. فقه زیدیه: که به طور کامل بررسی شد.

۳. فقه اسماعیلیه: بسیار مشتاق بودم که این مذهب را هم به طور جامع بیاورم، اما به دلیل کتمانِ وابطنی بودن این مذهب و در دسترس نبودن منابع (به جز چند اثر از قاضی نعمان مثل دعائم‌الاسلام و دو اثر مختصر دیگر او)، به آنچه یافت می‌شد بسنده



گفت‌وگو

اعتکاف، این آیین دیرپای توحیدی و سنت حسنه نبوی، در دهه‌های اخیر از یک عمل عبادی محدود در شبستان‌های غربت، به یک شعیره عظیم و میلیونی در سطح جامعه اسلامی بدل شده است. این گستردگی و اقبال روزافزون، به‌ویژه از سوی نسل جوان، ضرورت بازخوانی میانی، مرزهای فقهی و آسیب‌شناسی میدانی آن را بیش از هر زمان دیگری نمایان می‌سازد.

اثر گران‌سنگ «موسوعة الاعتکاف» تلاشی است جامع و ده ساله که با نگاهی مقارن و استدلالی، این عبادت را در آینه مذاهب هشت‌گانه اسلامی واکاوی کرده است. مؤلف این اثر، محقق ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمدامین پورامینی، با تتبع در آراء بیش از ۷۰ مفسر و بررسی بیش از ۴۰ منبع اصیل، کوشیده است تا نه‌تنها غبار زمان را از چهره این سنت نبوی بزداید، بلکه پاسخگوی نیازهای نوین فقهی در مواجهه با دنیای مدرن باشد.

در این گفت‌وگوی تفصیلی، وی با عبور از مباحث انتزاعی، به چالش‌های کاربردی نظیر «اعتکاف در مساجد صنفی و دانشگاهی»، «ضرورت مردمی ماندن و استقلال این شعیره از نهادهای دولتی» و همچنین «احیای سنت حضور بی‌تکلف عالمان در میان معتکفین» می‌پردازد. آنچه در ادامه می‌خوانید، دورنمایی است از یک دهه زیستِ علمی در فضای اعتکاف که میان «خلوت فردی معتکف» و «مصالح اجتماعی دین» پیوندی وثیق برقرار می‌کند.

■ **جناب استاد پورامینی، کتاب موسوعه «اعتکاف» شما امروزه یکی از آثار مرجع در این حوزه شناخته می‌شود. انگیزه اصلی شما از تألیف این اثر و انتخاب این عنوان خاص چه بود؟**

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین.

● جرقه اصلی این کار پس از اتمام کتاب « المروی من کتاب علی علیه‌السلام» زده شد. حضرت آیت‌الله حاج آقا جواد فاضل لنکرانی این موضوع را مطرح کردند و فرمودند اگر مسئولیت تألیف اثری جامع درباره اعتکاف را بپذیرید، موجب خرسندی خواهد بود. در آن مقطع، بنده تمرکز ذهنی خاصی روی این موضوع نداشتم، لذا فرصتی برای مطالعه اولیه خواستم.

در واقع، بر پایه درخواست جناب حجت الاسلام آقای تکیه‌ای (مسئول ستاد مرکزی اعتکاف) از آیت‌الله فاضل مبنی بر انجام کاری علمی پیرامون اعتکاف، ایشان هم خواسته را به بنده ارجاع دادند. پس از مطالعات مقدماتی، ساختار کلی اثر را در ساحت‌های مختلف از جمله: اعتکاف در قرآن کریم، روایات، فقه، تاریخ و کتب اخلاق دسته‌بندی کردم و کار را با توکل بر خدا آغاز نمودم.

این پروژه حدود ۱۰ سال زمان برد و تمام وقتِ بعد از ظهرهای بنده را معطوف به خود کرد. در این مسیر، آیات قرآنی، اقوال مفسرین (اعم از شیعه و اهل سنت) و روایات منابع اولیه فریقین را به‌دقت بررسی کردم. همچنین تبیین‌های بزرگان فن همچون علامه مجلسی و مرحوم فیض کاشانی ذیل روایات را استخراج و درج نمودم، و آنچه هم به ذهن ما می‌آمد را ذکر کردیم.

ساختار و نوآوری‌های کتاب

این اثر در مجلدات مختلف تدوین شده است که ساختار آن به شرح زیر است:

● **جلد اول:** حدود ۲۵۲ صفحه از آن به مباحث قرآنی اختصاص دارد و نیمه دوم آن وارد بحث روایی می‌شود.
● **جلد دوم:** به‌طور کامل به بررسی روایات (با دسته‌بندی تطبیقی میان منابع شیعه و اهل سنت) می‌پردازد.
● **جلد سوم به بعد:** اختصاص به مباحث فقهی دارد.

در بخش فقهی، تعدد داشت‌م که کار به‌صورت استقصای کامل انجام شود تا نکته‌ای فرونماند. یکی از ویژگی‌های بارز این بخش، «تبویب و فصل‌بندی نوآورانه» است. برخلاف ساختار سنتی که در آثاری نظیر عروةالوثقی، تحریرالوسیله امام خمینی علیه‌السلام یا منهاج‌الصالحین آیت‌الله خویی مشاهده می‌شود، بنده چینش مطالب را با اسلوب و دسته‌بندی جدیدی ارائه کرده‌ام که کاملاً ابتکاری است. در بررسی هر مسئله فقهی، یک «پرونده سیر تاریخی» آن مسئله را گشوده‌ام؛ به این معنا که آراء فقها را به ترتیب زمانی از زمان ابن بابویه (پدر شیخ صدوق)، شیخ مفید، شیخ طوسی، سلاز بن عبدالعزیز و ابوصلاح حلبی پی گرفته‌ام تا به این‌ادریس حلی، محقق حلی، علامه حلی، مقدس اردبیلی، صاحب جواهر و در نهایت علمای معاصر برس‌م. این تتبع تاریخی تحت عنوان «الفقه الامامی» تدوین شده که در هر مسئله، نخستین بخش آن به واکاوی دقیق آراء فقه‌ای شیعه اثناعشری اختصاص یافته است.

■ **آیا در خلال این تتبع تاریخی، با تطور و تحول خاصی در آراء فقها نیز مواجه شدید؟**

● **بله**، دقیقاً همین‌طور است. در این مسیر دو نکته بسیار برای من برجسته شد: یکی مشاهده همین سیر تطور آرا و دیگری درک عظمت و کیفیت زحماتی که فقهای سلف متحمل شده‌اند. این دریافت، در حین کار برای من بسیار لذت‌بخش و شگفت‌آور بود.

به عنوان نمونه، وقتی به شخصیت علامه حلی نگاه